

راه توده

آدرس اینترنت در ص ۶۰

دوره دوم شماره «۷۵» مهرورماه ۱۳۷۷

بمناسبت سالگرد جنگ ایران و عراق

حزب ما به وظیفه انقلابی خود عمل کرد!

از کتاب خاطرات "محمد علی عمومی" (ص ۲۵)

از "کودتا" قاخیزش دهه ۴۰

انقلابی و ضد انقلابی

یا "خودی" و "غیر خودی" (ص ۴۱)

چنپش دانشجوئی در آستانه سال

تحمیلی جدید

(ص ۵)

- * سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی
- * سرهنگ "فرانسوی"، افراشته
- * قامتی فراموش نشدنی * چهارشنبه
- * خاکستری * مقاله بی عنوان
- * اسرائیل آنگونه که هست
- * "خانه مشکوک" در جمع

ارزیابی سیاسی از برنامه اقتصادی دولت "محمد خاتمی"

این برنامه، وداع با فاجعه "تعدیل اقتصادی" است و موفقیت آن بستگی به توازن نیروها برای مقابله با کارشکنی های جناح راست دارد! (ص ۲۹)

درباره رویدادهای افغانستان (ص ۲۷)
نامه "راه توده" به ریاست جمهوری

انتشار فراخوان مجمع عمومی "کانون نویسندگان" در ایران

باقر پرهام: ما، آقای به آذین و دوستانشان، آقای کنجی و حجت الاسلام کدیور مکمل هم هستیم، نه دشمن هم! (ص ۴)

روسیه در شرایط "انقلاب اکتبر" (ص ۵۱)

انتخابات مجلس خبرگان تعیین رهبری صحنه کارزاری است در برابر دو "جبهه" عملاً موجود در داخل کشور

"جبهه ضد ارتجاع" "جبهه ارتجاع-بازار"

* "جبهه ضد ارتجاع" در صورت تحکیم مواضع و دست یابی به خواست های این مرحله خود، به "جبهه آزادی" فراخواهد روئید و مرزبندی های نوینی در دستور جنبش قرار خواهد گرفت!

در ایران و در عمل، جبهه گسترده ای در برابر روحانیت ترجیح و مذهبیون ایسته به بازار و سرمایه داری دلال تشکیل شده است. میلیون ها توده مردم ایران، آگاهانه در این جبهه قرار دارند و ده ها شکل، انجمن، حزب، سازمان، گروه و گروه بندی نوپیدا و با قدمتی، مذهبی یا غیر مذهبی، وابستگی و همسوئی خود را با این جبهه نه تنها اکتار نمی کنند، بلکه روز به روز بر حضور خود در این جبهه بیشتر تاکید می کنند.

نام این "جبهه"، به ظاهر "جبهه ضد انحصار" است، اما برای حزب توده ایران که پیوسته مابیت اتحادها و کینیت روندها مورد نظر است، نام واقعی جبهه کنونی، در حقیقت "جبهه ضد ارتجاع" است. جبهه ای که شاید بتوان گفت، وسعت آن، تنها با جبهه ده ها میلیون سال ۱۳۶۰، در برابر دیکتاتوری دربار شاه قابل مقایسه است! از آنجا که بسیاری از مذهبیون روحانی و غیر روحانی ایران، تحت عنوان "نواندیشان مذهبی" در این جبهه قرار گرفته و با استدلال های دینی و مذهبی به مقابله با ارتجاع مذهبی-بازاری برخاسته اند، شاید این تصور وجود داشته باشد، که مقابله کنونی، سبزی است میان دو جریان مذهبی، که به مردم و دیگر نیروهای سیاسی ایران ارتباطی ندارد!

این درک و این برداشت، بکلی نادرست و انحرافی است و قطعاً باید در برابر آن ایستاد. اول به این دلیل که در مقابله کنونی، نیروهای مذهبی تنها بخشی از پیکر نئونماد این مقابله اند. دوم آنکه جنبش کنونی مردم دارای خواست های اقتصادی-سیاسی-اجتماعی است و آنچه که این نیروها نیز مطرح می کنند، بخشی از همین خواست های جنبش است. که در پیرامنه های مذهبی و تحت عنوان "نواندیشی دینی" مطرح می شود. بنابراین چگونه می توان خود را بخشی از جنبش عمومی مردم ایران دانست، اما سهم خود را در این جبهه نپذیرفت!

برای درک وسعت "جبهه ضد ارتجاع"، کافی است تکرار شود، که بخشی از حاکمیت نیز اکنون خود را وابسته به این جبهه می داند. آن بخش که ریاست جمهوری - "محمد خاتمی" - واقع بین ترین نماینده آنست، و اساساً بدلیل اعلام وابستگی اش به جبهه ضد ارتجاع، از سوی بیش از ۲۰ میلیون مردم ایران انتخاب شده است.

از آنجا که در میان طیف گسترده نمایان و طرفداران جبهه ضد ارتجاع، بویژه در میان روحانیون و بخشی از مذهبیون، برداشت ها و منافع و محدود کننده ای از آزادی ها وجود دارد، هنوز نمی توان جبهه کنونی را "جبهه آزادی" نامید، گرچه با ثبیت نخستین پروژی های "جبهه ضد ارتجاع"، شکل، سازمان بایی و انسجام "جبهه آزادی"، بنوان گامی بالاتر، در دستور جنبش کنونی مردم ایران قرار خواهد گرفت.

درک دقیق این نکته و هضم سیاسی آن، در لحظه کنونی که مبارزه ای تکساکت رو به تشدید است، از اهمیتی ناچیزی برخوردار است. در صورت این درک دقیق است، که برخی آرزوها و انتظارات ذهنی، ماجراجویی ها و چپ نمائی های مغرب جانشین و اقیانیت نشده و امکان مانور را برای ضریف ترین حلقه در محاصره قرار گرفته حاکمیت و درعین حال مهاجم ترین بخش آن فراهم نمی شود! بخش محاصره شده ای، که در جستجوی روزنه ای برای رخنه در صفوف کنونی جنبش، ایجاد تفرقه در میان آن و سپس پیورش به آنست! (بقیه در صفحات ۲ و ۳)